

ابلیغیون جانب برینا منوره به هجرت بود و قری تا در کینان رود و لاسب
دوازده یکسین دلو مهر و ماه اول کشته از روزگار او زده چک سگ لفظ
کرده و در لیل یکی ساله بر نفع کشی شد تو خرام چیا اولان با بی با لول کت
آثار جاده الطاف الهیه ایله روزنه سواری دل سودا زده سی مهس پوی
حجاز و ب طاصیه و الای بر جیده دست شوق راحت کله و لغین نظم
شوق حرم در دل من گوش زد کوه عشق ره بکوش زد آیه با به از ان
حشمت و سر کوشه است در ان کونظر مصنوعی دخی تو سن توتیز
شوقه تا زین انعام او یحیی اولان جناب ولی العظم صفت سوده اسم
وزیر پاکیزه تراو شیر شیرینه نداد دستور والا کوهی نعل انصاف برور و ان
شیرت و عالمک مصاحب مصطفی پات حضرت نیک است اذن عالی برون
اوصاف بر شرافت اوصاف حرمین شرفین سیافند و مراجع جمیل خسته و زلی
حماوی بر قصیده شوق آمیزه ایل استغفار حکام با دست بی اخصین
مراجم بهما یون کاجت لری جلوه که موقع ظهور اولوب مهمام طریق حرام
فی قسط مصر و زبیر و ان جمید الرحمن پات حضرتی جانبدان ترتیب
اولموق با من خط هما یون سعادت مقرون صمیمه است ایاز و پوزین
کعبیده خروار کمان اولان بی قهر لوانیم طایفه بانست اولدای خلدن
زمین دلان بر خیم از و سر زده اولوب کوه قایع انکشد راه پست اطرام که مسطور
کله و رحمت خاص و عاهد رونیو صورت های مرات علومه اولو جیش طافه
طوفان کار زلف هم چشم سلسله سلطه و غلبه بین الیه پیرایش رخساره
لوحه آثار اولان که حبت مثال کعبه ایانور دیده عشاق کورن جاکلی شوق
و کوهین شوق و نفسی بوش بد تو خرام کوه با لول کت کرشمه

ایله و قایم حسن اواسی و شیر به نام و دایره ایله روشن خاطر باسی اولان نایل
وصال حرمین اولسره و سبیل شوق صید و حشر کشان آرزوی غریبه
ما یانکیده او شکر در یوزه کرد و یکجا عوفا ن یعنی با بی برینان پانی دخی
سقا طه نواله و عادن فراموشش ایله لر بنا برین فایده غریبه نماند خانه
حمود و دکت چشم کله را اعتسار اولان اما کن سیر که و جسد و منوال ایام
و لیل اولان مناع لوظهور و فایع معتبره و دقه خار عا جزا ایله یافته کاه
چیان نطفه شروع قلندی و تسمیه کتف اطربان اولو نفا زده و او جگاه کشته بار
اولندی رحای و نوق با سید صادق بود که حضرت مغفور کتف او جان
ایله سود و جریه با سبیلانی فایع و مغفرت ایله با صبر و خدمت
اوصاف حرمین شرفین بر کاتبه ره و جاک زک نقت روان چهار پایه
برن لولیکه در افضت شوق ایمان کامل ایله به جای در جانتان نغم ایله
امین مشهوری نیست طبع حازه از کس مرا جائزه دم غمده بین پس بر
می طلم جانز لاین سخن از کرم و رحمت اولمن کردن از اسکار
رفع جسام نبوی راه حج الکسرام بر سبیده دم قایع مشغول با شوق کتف
رباط اسبقی الشف اسما دن رفع رخصت اقامت الیک و دهان کباب
شوق انست حبت بر قوم که اول حسان رهیت خدا جایی اول
با یک اولوس حازه چشم ندا مان اول کتف گوش بهوش انگین شبت
بکر اندر کتف قضای زمر و سبیل اسکار دن مقیم مسافر خانه این اولوب
قرمال نام نزل کتف کتف بال استعمال اولندی حبت هم شتم در رتبه از ان
ای طایره کس که در از دست بر مقصد و من نوسفر دور و دم کلوز نام
مخده بر حذر صل استه استدن سکره تلجی قطنین دن عبوری السنه

King Saad University

Copyrighted King Saad University